

تحلیل فراز اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره در زیارت وارث

فاطمه ترکشوند^۱، فاطمه زارع^۲، سیدعقیل میرفتاحی^۳

چکیده

این مساله که امامان معصوم، همگی طهارت مولد داشته و پیوسته تا هنگام ولادت از صلب‌های پاک به رحم‌های پاک منتقل می‌شده‌اند، مضمونی است که کراراً در روایات با الفاظ متفاوتی تکرار شده و در زیارت وارث نیز به آن اشاره شده است و به اقتضای همین مضامین متکلمین امامیه طهارت مولد در امامان معصوم را شرط کرده‌اند. با عطف نظر به این مسئله که مضامین برخی روایات نظیر روایت ولدنی ابوبکر مرتین به ظاهر منافی با طهارت مولد امامان معصوم است؛ در این مقاله تلاش می‌شود تا طهارت مولد امامان معصوم با تکیه بر تبیین مسئله اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره در زیارت وارث مورد بررسی قرار بگیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، دلائل عمده متکلمین امامیه همچون؛ علامه حلی، سیدبن طاووس، شیخ طوسی، علامه مظفر و سیدمرتضی در مساله طهارت مولد امامان تبیین شده است. در این مقال این نتیجه حاصل شده است که قول به نفی عصمت امامان خاصه نفی طهارت مولد ائمه موجب فراهم آمدن محذور انزجار مردم از امام شده و نقض غرض امر هدایت حاصل می‌شود که منافی حکمت الهی است و روایت ولدنی ابوبکر مرتین منافاتی با اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره و طهارت مولد ائمه نداشته چرا که اولاً این روایت را تنها مرحوم اربلی از صفه الصفوة نقل کرده که مورد تضعیف علما قرار گرفته بدین جهت سند مستحکم و قابل قبولی برای این روایت وجود ندارد و برخی اقوال مدعی بر تحریف روایت و جد ام فروه را ابی سمره دانسته دوماً مراد سلسه اصلی نسب امامان است نه فرعی.

واژگان کلیدی

ارحام المطهره، اصلاّب الشامخه، طهاره مولد، خلقت نوری، زیارت وارث

دانش پژوه سطح ۲، حوزه حضرت خدیجه، قم، ایران^۱

Email: fatori7979@gmail.com

دانش پژوه سطح ۲، حوزه حضرت خدیجه، قم، ایران^۲

استاد راهنما، استاد یار دانشگاه امام حسین، تهران^۳

مقدمه

مسأله امامت پس از توحید و نبوت، مهم‌ترین مسأله در دین اسلام است. به باور جمیع فرقه‌های شیعه، امام باید منصوب باشد، یعنی شخص امام باید از جانب خدا و رسول خدا ﷺ تعیین شده باشد، زیرا عصمت در امام شرط است و تعیین امام معصوم بر عهده خدا و رسول اوست. چنانکه شیخ طوسی متکلم بزرگ شیعی می‌فرماید: «امامت بعد از توحید مهم‌ترین مسأله دینی است، چرا که بدون شناخت و فهم جایگاه امام، توحید ناقص خواهد بود و جمیع دستاوردهای پیامبر اعظم ﷺ در معرض خطر و اضمحلال قرار خواهد گرفت» (طوسی، ۱۳۵۱: ۵۰). بنابراین، امامت جزء اصول دین است و مباحث مربوط به آن در ردیف مباحث توحید و نبوت خواهد بود و بدین جهت است که در کلام شیعه بسیار مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به اینکه از مهم‌ترین مسائل در مسئله امامت و در باب عصمت امام که در روایات معصومین ﷺ کرارا نقل شده و به آن تاکید شده است طهارت مولد امام است همچنان که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «طهروا فی الاصلاب و حفظوا فی الارحام، لم یصبهم سفاح الجاهلیه و لا شاب انسابهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۶۵) و از همه معروف‌تر در زیارت وارث می‌خوانیم: «اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره، لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات ثیابها» در این عبارت از زیارت وارث به خلقت نوری امامان معصوم و طهارت مولد تاکید شده و بیان می‌شود که این نور الهی باید در ظرفی پاک رشد و انتقال پیدا کند یعنی همان اصلاب شامخه و ارحام مطهره و اشاره به سلسله طولی نسب امامان و انبیاء الهی و طهارت مولد دارد که از هر گونه رجس و پلیدی به اراده خداوند متعال دور شده‌اند. متکلمین امامیه طهارت مولد را برای امام معصوم شرط کرده‌اند و عامه آنها همچون علامه حلی، سید بن طاووس، شیخ طوسی، علامه مظفر و سید مرتضی، عصمت را دوری از هر گونه رجس و پلیدی و ویژگی‌های منفور همچون دنائت آباء و عهر امهات بر امامان معصوم ﷺ را لازم می‌دانند؛ چرا که زمینه دوری و تنفر مردم از آنها و سبب نقض غرض امر هدایت است. با عطف نظر به این مسئله که مضامین برخی روایات نظیر روایت ولدنی ابوبکر مرتین به ظاهر منافی با طهارت مولد امامان معصوم ﷺ است و از چالش برانگیزترین مسائل مطرح بوده است؛ از این رو تلاش می‌شود با بررسی آیات و روایات بخصوص اندیشه کلامی شیعه مسئله طهارت مولد امامان معصوم ﷺ با تکیه بر اصلاب الشامخه و ارحام المطهره در زیارت وارث تبیین شود.

از این رو به دلیل اهمیت فراوان این مسئله، پژوهش گران فراوانی در این زمینه پژوهش نموده‌اند:

۱. در مقاله (امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات) به قلم آقای محمدحسین بیات، در مهر ۱۳۹۲ شماره ۱۲، نویسنده مقاله در این جستار با روشی توصیفی و تحلیلی، برجسته‌ترین براهین عقلی شیعه دوازده امامی را ذکر نموده، سپس با استناد به آیات و روایات، عصمت و منصوص بودن امام را به اثبات رسانیده است. نکته قابل توجه در باب امامت، آوردن براهین عقلی نو با نگاهی دیگر می‌باشد و نیز تکیه به کتاب الحجّه اصول کافی است، که دیگر نویسندگان به این دو نکته کم توجه بوده‌اند.

۲. در مقاله (بررسی عصمت امام از دیدگاه شیخ مفید) از آقای محمد حسین فاریاب، در زمستان ۱۳۸۸ شماره ۷۲، به این نتایج دست یافته است: به بررسی سه دلیل شیخ مفید با استناد به آیات تطهیر و صادقین و حدیث ثقلین می‌پردازد و به این نتیجه دست یافته است: عصمت مسئله‌ای موهبتی و اختیاری است و و به معنای دوری از گناه کبیره و صغیره و هو نسیان است و به دلایل عقلی و نقلی عصمت از نظر شیخ مفید می‌پردازد.

۳. مقاله (فلسفه عصمت امام) اثری از آقای علی حسین جعفری، در بهار و تابستان ۱۳۹۷- شماره ۱۳؛ در مقاله خود به این نتایج دست یافته است: مسئله عصمت امام از مسائل مهم کلامی است که در طول تاریخ علم کلام مورد بحث متکلمات بوده و در اکثر کتب کلامی آمده است. متکلمان قائل به عصمت امام دلایلی متعددی بر آن اقامه کرده‌اند عده‌ای از متکلمان امامت را استمرار مقام رسالت می‌دانند و برای امام همان جایگاه پیامبری غیر از مقام دریافت وحی را قائل هستند در این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی حقیقت عصمت با استفاده از آیات روایت و سخنان متکلمان تبیین و به منشاءهای آن از نگاه متکلمان اشاره شده و با دلایل عقلی و نقلی فلسفه ضرورت عصمت امام به اثبات رسیده است.

نوآوری که سبب پرداختن به تحقیق حاضر شده است و آن را از دیگر پژوهش‌های یاد شده متمایز میکند؛ بررسی دقیق و جزئی منظومه فکری و اندیشه متکلمین شیعه در باب عصمت و طهارت مولد امامان معصوم علیهم‌السلام و مبرا بودن از خصوصیات منفور با تکیه بر عبارت اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره در زیارت وارث و ارتباط آن با روایت ولدنی ابوبکر مرتین است که تبیین و بررسی میشود.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که طهارت مولد امامان معصوم علیهم‌السلام با تکیه بر تبیین مسئله اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره کدام است؟ در صدد پاسخ سوال یاد شده این موارد را بررسی میکند: تبیین دلایل عمده متکلمین امامیه همچون؛ علامه حلی، سیدبن طاووس، شیخ طوسی، علامه مظفر و سیدمرتضی در مسأله‌ی طهارت مولد امامان. خلقت نوری امامان معصوم و تبیین اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره طاهرت مولد این انوار، تبیین روایت ولدنی ابوبکر مرتین و بررسی عدم منافات آن با اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره.

۱. مفهوم شناسی

پیش از ورود در بحث، به نظر می‌رسد که درآمدی معناشناختی در مورد واژگان اصلاب، شامخه و ارحام مورد نیاز باشد:

۱-۱. اصلاب

«صلب: (بر وزن قفل) و به معنای سخت و محکم است. همچنان که خداوند متعال فرموده: «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق: ۶ و ۷) صلب به مهره‌های پشت و مجاری نطفه مرد گفته می‌شود و علت این تسمیه بقول راغب سخت بودن مهره پشت است. همچنین است اصلاب در آیه «وَ حَلَالِ أُنْثَاكُمْ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ» (نساء: ۲۳) و مراد از صلب قسمت آخر ستون مهره است و مراد از اصلاب بنظر ما همان است.» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص: ۱۴۰)، (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ص: ۴۸۹)

۱-۲. شامخه

«شمخ: به معنای بلند شدن و جمع آن شامخات و شوامخ است و یکمرتبه در قرآن آمده است: «وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَّ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً قُرَاتًا؛ در زمین کوههای ثابت و بلند قرار دادیم و شما را آب شیرین نوشاندیم» (مرسلات: ۲۷) و به معنای مقام شامخ، حسب شامخ نیز گفته شده همچنانکه در زیارت وارث آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص: ۶۷)

۱-۳. ارحام

رحم: (بفتح اوّل و کسر دوّم) به معنای «رحم زن، محل رشد جنین و جمع آن ارحام است «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران: ۶)؛ «وَيُنْزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» (لقمان: ۳۴) رحم به معنای فوق در قرآن همیشه جمع آمده است. و به قوم و خویش از آن جهت رحم و ارحام گفته‌اند که آنها از یک رحم خارج شده‌اند (مفردات) یعنی ریشه همه یک رحم است.» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص: ۶۸)؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ص: ۳۴۷)

۱-۴. دنائت:

دَنَائَةُ (به فتح دال و نون) به معنای «پستی و دَنی (به فتح دال و کسر نون) به معنای پست و مؤنث آن دَنیه است» (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۰). همچنانکه ابن منظور در لسان العرب دنائت را به معنای «الْخَيْثُ الْبَطْنُ وَ الْفَرْجُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص: ۷۸) بیان کرده است.

۵-۱. عهر:

عَهْر (به فتح عین) به «معنای فجور است» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۱۷). «عَهْر زنا کرد عَهْرًا وَ هُوَ الْعَاهِرُ زناکننده» (زمشخری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸).

۲. تبیین خلقت نوری، اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ شهادت می دهم که همانا تو نوری در صُلب افراد بسیار بلند مرتبه و در رحم های بسیار پاکیزه بودی و دوران جاهلیّت با آلودگی هایش تو را آلوده نساخت و از لباس های چرکین و آلوده اش به تو نپوشاند»

در این فراز از زیارت وارث ویژگی هایی برای امام معصوم بیان می شود:

اولاً امام علیه السلام نوری است از سوی خداوند متعال، به این معنا که حقیقت وجودی امام چیز دیگری است .
ثانیاً ظرف وجودی این نور هم باید ظرف خاصی باشد، چرا که می فرماید: این نور در صلب های مردان بلند مرتبه و رحم های زنان پاک قرار گرفته است .
ثالثاً جاهلیّت با تمام آلودگی هایش نتوانسته کوچکترین تاثیری در امام بگذارد، نه اثری در روح و جسم و نطفه و نه اثری در هدف مقدس آن حضرت علیه السلام.

از جمله موضوعات محل بحث در کلام و فلسفه، مسئله خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام، یعنی آفرینش ایشان از نور و جایگاه وجودی پیش از مرتبه طبیعت است. در میراث روایی. امامیه، روایات فراوانی از وجود پیشین و خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام سخن گفته اند و فیلسوفان و متکلمان امامیه در طول تاریخ به بررسی و شرح این روایات پرداخته اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

دوما آیا روایت موجود در پرسش از شیعه رسیده است یا خیر؟ به عبارت دیگر، حدیث از نظر سند چگونه است؟

سوما بر فرض چشم پوشی از سند روایت، معنای روایت چیست؟

در پاسخ به قسمت اول، باید توجه داشت؛ آنچه که به عنوان اصلی مسلم، در اعتقادات شیعه وجود دارد، این است که معصومان علیهم السلام در سلسله طولی نسب های خود باید از صلب های بلند مرتبه و ارحام پاکیزه باشند؛ به جهت آن که آنها در جایگاه هدایت گری مردم قرار دارند، لذا اگر از نسب درستی برخوردار نباشند، باعث انزجار مردم از آنها می شود. که آیه تطهیر به این مطلب اشاره دارد. ابن عباس نیز روایتی در ذیل قول خداوند «وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِ» (شعراء: ۲۱۹) نقل کرده است، و مراد از این آیه را جابجا شدن پیامبر از اصلاّب پاکیزه از پدری به پدری می داند، تا آن که خدا او را به پیامبری برگزید و نور ایشان در پدرانش نیز ظاهر بود» (ماوردی، بی تا، ص ۲۰۱) همچنین در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله منقول است: حضرت به پاکیزگی نسلی اشاره داشته که از آنان به وجود آمده بود و می فرمایند: «من نتیجه اجابت دعای پدرم حضرت ابراهیم هستم و من از نسل پاک پدران به ارحام پاکیزه مادرانی منتقل شدم که روابط نامشروع جاهلیت در میان آنها نبوده و هرگز مرا به آلودگی های دوران جاهلیت آلوده نساخت.» این روایت را بسیاری از مفسران فریقین مانند مرحوم طبرسی در مجمع البیان و نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و فخر رازی در تفسیر کبیر و آلوسی در تفسیر روح المعانی نقل کرده اند (نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۰۳)؛ (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۴)؛ (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۹۰)؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۱۸)؛ (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۳) باید توجه داشت که جریان روابط نامشروع در عرب جاهلی امری رایج بوده است، و به همین دلیل، اگر در محیطی آلوده و ناپاک، فرزندی از خاندان پاک دامن و طاهر به وجود آید، امتیاز و برتری بزرگی برای او است.

در پاسخ به قسمت دوم، یعنی بررسی صحت سندی روایت: این روایت در کتاب کشف الغمّه (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۶۰) مرحوم اربلی وجود دارد و از آن جهت که مادر امام صادق علیه السلام، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است، و همچنین یکی از مادر بزرگ های آن حضرت نیز از نسل ابو بکر بوده اند، چنین مطلبی از ایشان نقل شده است.

باید توجه داشت اگر چه مرحوم اربلی از بزرگان و محدثان علمای امامیه است؛ اما تنها ناقل شیعه است که این روایت را از کتاب "صفة الصفوة" از ابن جوزی نقل می کند که از دانشمندان اهل سنت است؛ به همین دلیل سند مستحکم و قابل قبولی برای این روایت وجود ندارد.

حتی بر فرض چشم پوشی از سند حدیث، مضمون روایت ضروری به آنچه در زیارات درباره نسب معصومان علیهم السلام (ارحام المطهره و اصلاّب الشامخه) آمده، نمی رساند؛ زیرا همان طور گذشت منظور از اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره آن است که پدران و مادران انبیا و اوصیا از پلیدی زنا، فسق و فجور به دور بودند، و هنگامی که سلسله طولی نسب امامان را بررسی می کنیم، به این واقعیت دست خواهیم یافت. بنابر این مراد، سلسله اصلی نسب امامان است نه فرعی. اما گناهکار نبودن و معصوم بودن تمام پدران و مادران معصومان، موضوعی نیست که مورد ادعای شیعه باشد تا ملترزم به دفاع از این عقیده باشیم، به عنوان نمونه، «بسیاری پیامبران الهی از بنی اسرائیل از نسل یکی از برادران حضرت یوسف اند که تا حدودی در گناه دیگر برادران و ظلم به یوسف شریک بود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۰۲)

نتیجه اینکه از اعتقادات شیعه دوازده امامی این است که معصومان علیهم السلام باید به دور از هر گونه پلیدی و گناه باشند، و مطلبی که در روایت به امام صادق علیه السلام نسبت داده می شود، ضروری به این اعتقاد نمی رساند؛ زیرا با صرف نظر از قوت یا ضعف چنین روایتی، اولاً: مراد از اصلاّب شامخه و ارحام مطهره این نیست که در تمام سلسله ها نسب (حتی نسب های غیر اصلی) این مسئله طهارت مولد وجود داشته باشد بلکه مراد نسب اصلی است. ثانیاً: مراد از طهارت در این جا، طهارت از پلیدی زنا و آلودگی های جاهلی است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روایتی به این مطلب اشاره می فرمایند: که من به دعای ابراهیم علیه السلام و از صلب های پاک به وجود آمدم و پلیدی جاهلیت به من نرسیده است. از طرفی می دانیم که «محمد فرزند ابوبکر» یکی از برترین شهدایی بوده است که امام علی علیه السلام علاقه ویژه ای به او داشته و همانگونه که گفته شد نوه اش «ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر» از زنانی نیک کردار و پاکدامن و همسر امام باقر علیه السلام و مادر امام صادق علیه السلام بود.

البته باید توجه داشت اقوال دیگری نیز ناظر بر عدم انتساب امام صادق علیه السلام به «ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر» وجود دارد و مدعی شده اند امام صادق علیه السلام انتساب به «ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی سمره» دارد. قرمانی عالم سنی مسلک بر این باور است: «مادر امام صادق علیه السلام، ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی سمره است» (قرمانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۴) و مرحوم سید جعفر عاملی نیز از علماء شیعه این قول را صحیح پنداشته است (عاملی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۳۴۵).

شیخ نجاح طائی نیز بر این باور است روایت (ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق امه ام فروه بنت القاسم بن محمد بن ابی سمره) «حدیث صحیحی است که ابونظره از امام باقر علیه السلام از جابر انصاری از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روایت نموده و آن را تحریف کرده است و نام جد ام فروه را که ابوسمره بوده به ابوبکر تغییر داده است» (طائی، ۱۳۹۵، ص ۸۱). البته باید توجه داشت که «ابونضره منذر بن مالک بن قطعه عبدی عوفی بصری است که

بسیاری از علما در کتب رجالی اوراتضعیف کرده‌اند» (عقیلی، ۱۷۷۹، ج ۴، ص ۱۹۹)؛ (تستری، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص: ۵۳۳)

۵. نتیجه گیری

در این مقاله پس از بررسی و تبیین طهارت مولد امامان معصوم با تکیه بر تبیین مسئله اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. حقیقت وجودی امامان معصوم نوری است که نشئت گرفته از عقل نخستین و اول مخلوق خداوند متعال یعنی پیامبر اکرم است در روایات معصومین نیز این مسئله کرارا بیان شده که فیلسوفان و متکلمان آن روایات را بر تقدم آفرینش و خلقت نوری پیامبر و امامان معصوم دلالت داده‌اند.

۲. روایات بسیاری بر این مسئله صراحت دارند که ظرف پرورش و انتقال دهنده این انوار از صلب‌های مردان به رحم‌های زنان، باید ظرفی پاکیزه و مطهر یعنی از اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره باشد و این مسئله به عنوان اصلی مسلم در اعتقادات امامیه است چرا که خداوند متعال اراده کرده رجس و پلیدی را از اهل بیت دور کند و رجس را عقل، طبیعت و دین پلید دانسته و شامل دنائت آباء و عهرامهات که موجب تنفروکوچکی شخصیت فرد است نیز می‌شود.

۳. عمده متکلمین امامیه همچون علامه حلی، علامه مظفر، محقق لاهیجی، سیدبن طاووس، شیخ طوسی و سید مرتضی عصمت امامان را دقیقاً همانند عصمت انبیا دانسته و مبرا بودن از ویژگی‌های منفور همچون دنائت آباء و عهرامهات را در امامان معصوم شرط کرده و علت این حکم را لازمه عصمت و موجب دوری جستن و انزجار مردم از امام شده و با ضرورت وجوب وجود امام ناسازگار است و نقض غرض امرهدایت است چرا که منافی با لطف و حکمت الهی است.

۴. روایت ولدنی ابوبکر مرتین منافاتی با طهارت مولد امامان معصوم و اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره ندارد چرا که؛ اولاً این روایت را تنها اربلی در کتاب کشف الغمه از ابن جوزی که از دانشمندان اهل سنت است نقل کرده بنابر این سند مستحکم و قابل قبولی بر این روایت وجود ندارد دوماً با چشم پوشی از سند روایت مضمون روایت منافی با اصلاّب الشامخه و ارحام المطهره و در زیارت وارث چرا که با بررسی سلسله اصلی طولی نسب

انبیاء و اوصیاء، پدران و مادران آنها از پلیدی زنا، فسق و فجور دور بوده‌اند و مراد سلسله اصلی نسب امامان است نه فرعی و شیعه ادعایی در دفاع از نسب فرعی ندارد. سوما اقوالی همچون قرمانی عالم سنی مسلک و سیدمرتضی عاملی وجود دارد که جد ام‌فروه ابو سمره است نه ابوبکر، شیخ نجاح طائی نیز این روایت صحیح را تحریف شده توسط ابونظره می‌داند.

منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، شهاب‌الدین، (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، لبنان-بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۴)، *الطرائف فی مذاهب الطوائف*، (مترجم داوود الهامی)؛ ایران - قم: نوید اسلام.
۳. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، *کشف الغمّه*، ایران- تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۴. احمد بن یوسف، قرمانی، (۱۴۱۲)، *اخبار الدول و آثار الاول فی التاریخ*، لبنان-بیروت: عالم الکتب.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ ق)، *لسان العرب*، چ ۳، لبنان-بیروت: دارالصادر.
۵. تستری، محمد تقی، (۱۴۱۰)، *قاموس الرجال*، ایران-قم: موسسه نشر الاسلامی.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، (بی تا)، *باب حادی عشر، بی نا، بی جا*.
۷. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۶)، *مهرتابان*، ایران- مشهد: نور ملکوت قرآن.
۸. خرازی، سید محسن، (۱۳۷۳)، *بدایه المعارف الهیه فی شرح العقائد الامامیه*، ایران-قم: موسسه نشر الاسلامی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ایران-تهران: مرتضوی.
۱۰. راقب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۲۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، لبنان-بیروت: دار المعرف.
۱۱. زمخشری، محدّبن عمر، (۱۳۸۶)، *مقدمه الادب*، ایران-تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳)، *منشور جاوید*، ایران-قم: موسسه امام صادق (ع).
۱۳. صدرالدین شیرازی، محدّبن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *المشاعر (به اهتمام هانری کربن)*، ایران-تهران: کتابخانه طهوری. الف

----- (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب (تصحیح محمد خواجوی)، ایران-تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. ب

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن (تصحیح عاملی، احمد حبیب)، لبنان-بیروت: دار احیاء التراث العربی.

----- (۴۶۰ ه.ق)، الامالی؛ بی جا، بی نا.

----- (۱۳۵۱)، تلخیص الشافی، ایران-قم: انتشارات عزیزی.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ایران-تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۱۶. طائی، نجاح، (۱۳۹۵)، انتساب امام صادق به ابوبکر دروغ است، ایران-قم: دارالهدی لاحیاء التراث.

۱۷. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ ه.ق)، احتجاج علی اهل اللجاج، نجف: دارالنعمان.

۱۸. طریحی نجفی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، مجمع البحرین (ترجمه الحسینی)، ایران-تهران: مرتضوی.

۱۹. عقیلی، حافظ ابوجعفر، (۱۷۷۹ م)، الضعفاء الکبیر، لبنان-بیروت: دارالمکتبه العالمیه.

۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۳۸۳)، الشافی، تصحیح مهدی انصاری قمی، تهران: لوح محفوظ.

۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، لبنان-بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۲. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ایران-تهران، دارالکتاب الاسلامیه.

۲۳. لاهیجی، عبدالراق بن علی، (۱۳۸۳)، گوهر مراد (با تصحیح و تحقیق موسسه امام صادق)، ایران-تهران: نشر سایه.

----- (۱۳۷۲ ه.ش)، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات (تصحیح صادق لاریجانی)، ایران-تهران:

الزهراء.

۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، چاپ دوم، لبنان-بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۵. ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد، (بی تا)، لبنان-بیروت: دارومکتبه الهلال.

۲۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۳۱)، میزان الحق شبهات وردود، لبنان-بیروت: مرکز اسلامی للدراسات.

۲۷. نظام الدین نیشابوری، حسن بن محمد قمی، (۱۴۱۶)، تفسیر غرائب القرآن، لبنان-بیروت: دارالکتاب العلمیه.